

## روزنامه تربیت و نظام آموزشی و تربیتی ایران دوره قاجار؛ چالش‌ها و الگوهای پیشنهادی

عبدالله متولی\*

### چکیده

روزنامه یکی از ابزارهای موثر در بررسی انتقادی شرایط جامعه محسوب می‌شود. در ایران دوره قاجار نیز به رغم نوپا بودن جراید و موانع سیاسی و اجتماعی، اندک روزنامه‌های موجود در جهت ایجاد تحول در عرصه‌های مختلف اجتماع مطالب و مباحث انتقادی و پیشنهادی را منعکس می‌کردند. این فرآیند تحول خواهی در روزگاران منتهی به مشروطیت از جدیت بیشتری برخوردار بودند. روزنامه تربیت در زمره جرایدی محسوب می‌شد که به دلیل غلبه روحیه محافظه کاری توانست دیر زمانی به حیات خود ادامه دهد. محوریت مباحث این روزنامه فرهنگی و تربیتی بود. به زعم محمد حسین فروغی گرداننده و نویسنده اصلی روزنامه، ریشه تمام نابسامانی‌ها و عقب ماندگی جامعه ایران دوره قاجار به جهل باز می‌گشت و تنها راه برون رفت از این شرایط پناه بردن به دانش بود. نوشتار حاضر در پی آن است تا نگرش‌های انتقادی روزنامه نسبت به شرایط آموزشی و تربیتی جامعه دوره قاجار را بازبایی و در عین حال الگوی پیشنهادی در جهت برون رفت از این شرایط را استخراج و تحلیل و بررسی نماید. از این رو عمده سؤالات مطرح در این زمینه عبارت است از این که در نگاه نویسنده روزنامه چه چالش‌های عمده‌ای در نظام آموزشی دوره قاجار به چشم می‌خورد و دیگر این که روزنامه برای برون رفت از شرایط موجود چه الگوهایی را مورد توجه قرار می‌داد؟ در منظومه فکری فروغی مهمترین عنصر تحول ساز دانش است و راه وصول به دانش از مدرسه می‌گذرد به همین دلیل ساختار سنتی موجود آموزشی در دوره قاجار از لحاظ کمی و کیفی فاقد ارزش و

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک، a.motevaly@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

اعتبار کافی است که بتواند تحولی عمیق در پیکره اجتماع ایجاد نماید. از این رو با استفاده از تجارب موجود در غرب بایستی علاوه بر توجه به ابعاد کمی آموزش، در روش های کیفی و منابع تربیتی و آموزشی نیز بازنگری جدی صورت پذیرد.

**کلیدواژه‌ها:** روزنامه تربیت، فروغی، آموزش، قاجار، دانش

## ۱. مقدمه

ماهیت روزنامه تربیت همان گونه که از عنوان آن بر می آید تربیت به معنای عام را مورد نظر دارد. با مطالعه مطالب و مباحث روزنامه و تنوعی که در نوشته ها به چشم می خورد هدف غایی روزنامه، تعلیم و تربیت عموم جامعه در اصناف و گروه های مختلف را مورد توجه قرار داده است. با توجه به شرایط خاص جامعه ایران در مقطعی که روزنامه انتشار می یافت می توان گفت محمد حسین فروغی متأثر از چالش های عمده ای که در کلیت جامعه با آن مواجه بود همانند سایر کسانی که در این برهه از زمان در پی شناخت دردهای جامعه و ارایه درمان بودند. او نیز با توجه به روحیه فرهنگی که بر روش و منش وی غلبه داشت در پی شناخت و معرفی دردهای موجود جامعه و ارایه راهکارهای برون رفت از این شرایط ناگوار بود.

بر این اساس روزنامه به عنوان یک ابزار ارتباطی نو ظهور و در عین حال موثر در معرض توجه فروغی قرار گرفت. محتویات و داده های روزنامه در یک نگرش کلی نشان می دهد که وی معضل عمده جامعه را در عرصه های علمی و فرهنگی جستجو می کرد و در سر لوحه روزنامه نیز به این مهم اشاره دارد. به همین دلیل چارچوب نوشته های و مقالات بیشتر در جهت ارایه الگوهای علمی و اهمیت و جایگاه عناصر علمی در پیشبرد مقاصد جامعه است. با وجود رویکردهای کلی نگر فروغی در خصوص عرصه های مختلف و متنوع علمی اما با رصد و جستجوی دقیق تر در مفاهیم روزنامه می توان دریافت که نگاه عمده فروغی در رهیافت به مسایل و مشکلات مبتلابه جامعه و ارایه راهکارهای موثر در جهت خروج از چنین شرایطی به شکل جدی معطوف به موضوع آموزش است. به نظر می رسد در نگرش او آن چه که می تواند جامعه را از شرایط نابهنجار موجود فاصله داده و به مدینه فاضله مورد نظر متصل نماید توجه به مساله آموزش و یا به زعم نویسنده موضوع تربیت است. از آن جا که این مساله نزد نویسنده به یک امر یقینی تبدیل شده است، ارایه مباحث و مطالب علمی و فرهنگی روزنامه نیز به گونه ای

انتخاب و طراحی شده اند تا در نهایت به روشنگری جدی در موضوع آموزش منتهی شوند و این همان نکته ای است که مساله و محتوای اصلی این نوشتار را شامل می شود و نویسنده در پی آن است که دریابد در منظومه فکری فروغی ویژگی های آموزش و تربیتی جامعه دوره قاجار از چه خصایصی برخوردار بود و از منظر او عمده ترین نکات آسیب زای فضای فکری و علمی جامعه چه بوده است و در عین حال او چه راهکارها و روش هایی را برای گذار جامعه به سوی موقعیت مطلوب پیشنهاد می دهد.

بررسی نوشته های روزنامه و دریافت مضامین آن ها به گونه ای حاکی از این نکات است که وی در وهله اول در پی آن است تا با استفاده از مصادیق و نمونه های متعدد از توجه و تمرکز غرب به مسایل و مباحث علمی و آموزشی نشان دهد که اگر دنیای غرب امروزه در زمینه های مختلف علمی و صنعتی به مقام و موقعیتی رسیده است ناشی از توجه به موضوع آموزش و تربیت است. سپس ضمن تلاش برای دمیدن روحیه تلاشگری به جامعه ابعاد آسیب شناختی جامعه را در ابعاد مختلف بررسی و مطرح می کند که البته نقطه محوری آن توجه به الگوهای آسیب زای نظام آموزش است و در نهایت روش های اجرایی و پیشنهادی وی برای اصلاح ساختار و گذار به یک فضای مطلوب و مناسب است. از این منظر نوشتار پیش رو با جستجو در لابلای نوشته های روزنامه می کوشد نگرش های فروغی را در سه قالب پیش گفته استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. با توجه به حجم نسبتاً زیاد روزنامه و سالشمار طولانی آن می توان گفت که برای درک بخشی از معضلات و مشکلات جامعه ایران دوره قاجار داده های روزنامه به تنهایی می تواند به عنوان منبعی غنی و متنوع در این زمینه راهگشا باشد علی الخصوص که نگرش روزنامه در این خصوص به نظر کاملاً تخصصی و با رویکردی عالمانه صورت گرفته است. به همین دلیل نگارنده ترجیح داد به جای مراجعه به نشریات متعدد، نگاه خود را به صورت عمیق تر به یک روزنامه تخصصی معطوف نماید. در خصوص برخی از روزنامه های عصر مشروطیت و پس از آن آثاری را می توان یافت که دیدگاه های فکری و فرهنگی روزنامه ها را در معرض بحث و تحلیل قرار داده اند. از آن جمله مقاله ای تحت عنوان «مجله ایران شهر و لزوم انقلاب در افکار و عقاید ایرانیان» را مورد اشاره قرار داد که نویسنده به تفصیل نگاه روزنامه در خصوص معضلات فرهنگی جامعه ایران و راه های برون رفت از آن شرایط را بررسی و تحلیل کرده است. (ملائی توانی، ۱۳۸۵: ۹/ ۱۴۹-۱۸۶) هم چنین به نوشته دیگری می توان اشاره کرد که تحت عنوان «رویکرد روزنامه اختر به توسعه علمی و

پیشرفت و عقب ماندگی» دلایل عقب ماندگی فکری و فرهنگی جامعه ایران عصر قاجار را از نگاه گرداندگان روزنامه اختر بررسی کرده است. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۶: ۲۰/۱۳۰-۱۴۸) با این حال در بین تحقیقات موجود نمی توان نوشته مستقلی را یافت که با رویکرد تحلیلی داده های روزنامه تربیت را در معرض کند و کاو قرار داده باشد. تنها نوشته موجود مقاله کوتاه آقای کیانفر در شماره ۹ و ۱۰ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا است که البته آن مکتوب نیز بررسی ابعاد شکلی و روند تداوم انتشار روزنامه را جستجو کرده است. (کیانفر، ۱۳۷۷: ۹ و ۱۰/۳-۵)

## ۲. زندگی نامه محمد حسین فروغی و ویژگی روزنامه تربیت

محمد حسین فروغی ملقب به ذکاءالملک از چهره های فرهنگی اواخر دوره ناصری و ایام سلطنت مظفرالدین شاه محسوب می شود. تولدش در اصفهان و به تاریخ ۱۵ ربیع الثانی سال ۱۲۵۵ قمری رخ داد. در ۱۵ رمضان ۱۳۲۵ قمری نیز در تهران درگذشت. پدرش محمدمهدی ارباب اصفهانی به رغم آن که در حرفه تجارت فعالیت می کرد اما با مسایل فرهنگی و ادبی بیگانه نبود. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲/۱۲۲) فروغی نیز کوشید راه پدرش در تجارت را دنبال کند اما توفیقی حاصل نکرد. پس از ناکامی اقتصادی مدتی را در داخل ایران و در عتبات به تجربه اندوزی و سیاحت پرداخت سپس وارد تشکیلات محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در وزارت انطباعات گردید و مهارت او در کار ترجمه باعث شد تا ترجمه آثار عربی و فرانسوی به وی محول شود و گویا به مقام ریاست مترجمان نیز رسید (بامداد، ۱۳۶۳: ۳/۳۸۴). علاوه بر این در تنظیم مطالب نشریات دولتی نقش مستقیمی داشت. در سال ۱۳۰۸ قمری به واسطه مناسبات دوستانه با میرزا ملکم خان در معرض خشم ناصرالدین شاه قرار گرفت و تنها پس از وساطت امین السلطان توانست به شرایط عادی بازگردد. (همان، ۳۸۵) در سال ۱۳۱۴ قمری یعنی اولین سال سلطنت مظفرالدین شاه امتیاز روزنامه تربیت را اخذ کرد و تا روزگاران نزدیک به مرگش آن را منتشر می کرد. تربیت اولین روزنامه غیردولتی داخلی محسوب می شد که قریب نه سال منتشر گردید. با این حال مخارج روزنامه به صورت دولتی تامین می شد. (میرانصاری، ۱۳۸۷: ۱/۱۵) تربیت تا شماره ۶۷ به صورت هفتگی و از شماره ۶۸ تا ۱۲۹ به صورت روزانه انتشار یافت و مجدداً به شکل هفتگی در آمد. (براون، ۱۳۸۶: ۲/۵۲۲) رویکرد روزنامه سیاسی و فرهنگی محسوب می شد. گرچه نسبت به مسایل ایران از زبان انتقادی بهره می برد اما

احتمالاً شرایط خاص سیاسی و وابستگی های مالی به ساختار حکومتی باعث شده بود تا نگرش های انتقادی او بیشتر معطوف به بستر اجتماع و کلی نگر باشد. اکثراً شخص شاه و هیئت حاکمه نه تنها از زبان انتقادی او مصون بودند بلکه در مواقعی به شکل اغراق آمیزی ستایش می شدند و همین روحیه باعث شد تا برخی به فروغی خرده گیری کنند. با این حال می توان گفت با وجود شرایط ناگوار سیاسی و فرهنگی جامعه ایران نگرش های انتقادی و در عین حال چارچوب های پیشنهادی فروغی برای گذر از این شرایط توانست بخشی از خلا علمی و فرهنگی زمان خود را پر کند.

### ۳. نقش و اهمیت آموزش و تربیت در پیشرفت تمدن غرب

یکی از مسایل مهم که در محافل سیاسی و فرهنگی دوره قاجار مطرح می شد ویژگی های جوامع غربی بود. تفاوت سطوح علمی و فنی که بین غرب و کشورهای شرقی در این مقطع زمانی پدیدار شده بود درک پاسخ این پرسش بود که غرب چگونه به این مرحله از شکوفایی دست یافت و دیگر این که آیا جوامع شرقی امکان وصول به این سطوح تمدنی را دارند؟ روزنامه تربیت نیز به اقتضای حال و با توجه به ماهیت آن، فارغ از این چارچوب حرکت نمی کرد. بررسی مقالات و نوشته های روزنامه به خوبی گواه آن است که تبیین ویژگی های تمدنی ممالک غربی بخش قابل توجهی از دغدغه های روزنامه محسوب می شد.

سبک انتقال مسایل مربوط به غرب در روزنامه گویای این نکته است که چالش های ذهنی فروغی نیز کمتر از سایر عناصر روشنفکر دوره قاجار نبوده است. آن گونه که در مراجعه به آثار برخی از چهره های فعال دوره قاجار می توان مشابَهت های ذهنی آن ها را با فروغی دریافت. از آن جمله است مستشارالدوله تبریزی که ایده های خود را در کتاب یک کلمه ارایه می دهد. وی در بخشی از دیدگاه های خود ضمن بیان لزوم ایجاد پیوند بین ملل برای رشد و تعالی، به صورت مشخص برای رشد جامعه ایران نیز این گونه پیشنهاد می کند

جای هیچ شبهه نیست که اگر از اکابر قوم و از صاحبان بصیرت اسلام چند نفر ... به فرنگستان بروند و وضع مدنیت آن ها را به رای العین مشاهده نمایند. بعد از مراجعت به ایران بلا تردید اسباب هزار قسم ترقی را فراهم خواهند آورد (مستشارالدوله تبریزی، ۱۳۸۲:۷۶).

البته او با مدل و الگوهای خاص خود در پی شناخت و سپس معرفی غرب به جامعه ایران بوده است. سبک نوشته هایش نشان می دهد وی به شدت در پی آن است تا هم شناخت دقیقی از ماهیت و دلایل شکل گیری تحولات غرب ارایه نماید و هم آن که به عنوان یک الگوی پیشرو از عملکرد غرب الگو و سرمشقی به دست داده تا از این طریق جامعه ایران را از توقف و ایستایی به تکاپو و تحول وا دارد. چنین مشغله ای البته محصول

تصادم مغرب و مشرق و تجربه های عینی بود که منجر به هشجاری اجتماعی در ایران و عثمانی شد که از یک سو در علل تنزل تاریخی و درماندگی مادی خود تعقل نمایند و از سوی دیگر در راه ترقی جدید و اخذ دانش و فن اروپایی بیاندیشند. (آدمیت، ۱۳۴۹: ۶۹)

نگاه فروغی نیز بر مبنای الگو برداری است « کار دنیای مردم فرنگ و ینگگی دنیا به جایی رسیده که می توان گفت حالت سرمشق به هم رسانیده هر کس بخواهد در این جهان به سعادت زندگانی نماید خوب است پیرو اعمال آن ها شود» (تربیت، ۲۳ محرم ۱۳۱۵: ش ۲۸ / ۱۰۹، همان، ۲۸ ذی الحجه ۱۳۱۸: ش ۲۲۵ / ۹۰۱) شاید از این منظر بتواند فروغی را با اندکی اغماض در زمره عناصری در دوره قاجار تلقی نمود که معتقد بودند بایستی جامعه را با علوم نوین و شناخت حقیقی از تعقل آشنا کرد و به بسیاری از افراد قبولاند که دانش از راه کشف و شهود نمی گذرد بلکه تعقل هموار کننده مسیر دانش است. (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۵۷)

تکرار های فروغی در الگو برداری از غرب باعث شد تا مورد اعتراض قرار گیرد و وی ناچار به پاسخ گویی شد. او با توصیف توانمندی های اروپاییان، سعی کرد تفکیکی در نوع تبعیت از عملکرد آن ها ارایه نماید

کسی گمان نکند من می خواهم کور کورانه مردم را به تقلید خارجه وادارم و به رسم مقلدان مصدق زشت و زیبای اجانب باشم بلکه من می گویم اهالی ایران می توانند از اصالت خود خارج نشوند و به نظر انتقاد محسنات و معایب دیگران را ببینند آن چه را خوب و مفید است اختیار نمایند و از بد پرهیز و احتیاط کنند (تربیت، ۲۴ رجب ۱۳۱۹: ش ۲۴۳ / ۹۷۴)

در هر صورت مصادیق و نمونه هایی که او برای خوانندگان خود ذکر می کند تقریباً تمامی عرصه ها را شامل می شود. صفحات مختلف روزنامه مملو از مثال هایی است که

نویسنده در خصوص گونه‌های مختلف پیشرفت‌های غرب در ابعاد سیاسی، فرهنگی، صنعتی، تجاری و ... ذکر می‌کند. او مکرر در کنار توصیف این پیشرفت‌ها از این نکته غفلت نمی‌کند که بررسی و تحلیل نماید که غربی‌ها چرا و چگونه به این مرحله از تحول رسیده‌اند.

در بررسی داده‌های متعدد و متنوع فروعی از ویژگی‌ها و کیفیت تمدنی غرب می‌توان دریافت چند عنصر کلیدی سازنده این بناهای عظیم بوده است و البته به تکرار در نتیجه‌گیری‌های او می‌توان این عناصر محوری را دریافت. سرمنشاء تحول ساز در نگرش فروعی تربیت بوده است و از همین تربیت است که رکن دیگر پیشرفت یعنی علم و دانش حاصل می‌شود (تربیت، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۱۳۹/۳۵) در جای دیگری با تاکید بر گذشته انسانی غربی‌ها می‌کوشد به این نکته ارجاع دهد که اگر غربی‌ها اکنون به اینجا رسیده‌اند حاصل تربیت بوده است

آیا این فرنگیها که از چندی قبل تا کنون مصدر هزار کار عجیب و غریب از ابداع و اختراع و ... شده‌اند اولاد همان فرنگی‌های هزار سال پیش نیستند؟ چرا اولاد همان قبایلند ... اما میان آنان و اینان تفاوت از زمین تا آسمان است، این تفاوت از کجا آمده... بی‌تامل و گفتگو از تربیت، بلی از تربیت... (تربیت، ۱۰ شعبان ۱۳۱۴: ش ۱۷/۵)

اما رکن دیگری که در دنباله بررسی‌های فروعی به خوبی مشخص می‌شود و به نوعی بر فراز دو رکن پیش گفته قرار گرفته و باعث دگرگونی احوال اروپائیان گردید، به مساله آموزش و مدرسه باز می‌گردد. به بیان دیگر نویسنده می‌کوشد خواننده را به این مسیر هدایت کند که سرمنشاء دانش، تربیت است و سرمنشاء تربیت به شکل عمده از مدرسه آغاز می‌شود و غرب به لحاظ توجه به مدرسه بود که به این مرحله از شکوفایی رسید

تمام ترقیاتی که از آن صفحات شنیده‌اید و آثار و علائم آن را دیده‌اید نتیجه دانش و بینش است و دانش و بینش از درس و مدرسه و کنجکاوی و جستجو حاصل شده است و در نتیجه علم قوت گرفته و کلیه کارها را رونق و جان داده است. (تربیت، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۱: ش ۱۱۵۸/۲۸۱)

در جای دیگری می‌نویسد «ریشه اصلاح در علم است و جای تحصیل علم در مدرسه» (تربیت، ۱۱ رمضان ۱۳۱۸: ش ۸۷۵/۲۱۸) به دلیل همین اهمیت مدرسه است که

او مصداق های متعددی را بیان می کند که در غرب توجه ویژه ای را به مدارس و گسترش آن ها داشته اند

... و به عبارت اخری مملکت آدم لازم دارد و آدم عالم در مدرسه درست می شود و عمل می آید به همین دلیل است که در اروپا و آمریکا از این قبیل مدارس (مدارس علمی) فراوان و بسیار و بلکه بی حساب و بشمار است (تربیت، ۱۱ ذی القعدة ۱۳۲۴: ش ۲۳۰۹ / ۴۲۵)

وی برای نشان دادن قدر و اهمیت مدارس در نزد غربی ها به میزان مخارجی که دولت فرانسه برای مدارس اختصاص می داد اشاره می کند. او ضمن تاکید مجدد بر این نکته که فرنگی ها دریافته اند اصل و مبداء ترقی و سعادت ملل علم است. بنابر این تمام تلاش خود را در راه اشاعه دانش به کار بسته اند و مصداق آن مخارجی است که دولت فرانسه در خصوص اشاعه علوم انجام می دهد « دولت معظمه فرانسه سالی سیصد و پنجاه کرور فرانک که معادل هفتاد کرور تومان پول ما باشد به مصرف مکاتب و مدارس و سایر شعب امور علمیه می رساند » (تربیت، ۲۰ شعبان ۱۳۱۸: ش ۸۶۱ / ۲۱۵) یکی از نکات جالب توجهی که در روزنامه خودنمایی می کند جایگاه ژاپن به عنوان یک کشور شرقی در ادبیات نوشتاری فروغی است. نویسنده به عنوان یک مصداق واسطه ای به تکرار از ژاپن یاد می کند. در حقیقت او الگوی اصلی پیشرفت را ممالک غربی قرار می دهد و زمانی که می خواهد نشان دهد امکان تبعیت و در عین حال پیشرفت وجود دارد به سراغ ژاپن می رود و از آنجا به عنوان یک نمونه موفق بهرمندی از مواهب غربی یاد می کند. او در زمینه های مختلف علمی و فنی رشد فزاینده ژاپنی ها را به رخ می کشد و به نقل از یک روزنامه روسی با آمار و ارقام داشته های تمدنی آنها را بر می شمارد و در نهایت یادآور می شود که « ژاپنی ها دو روز پیش از ما پس بودند اما امروز آنها چنان و ما چنین، یکی به عرش و دیگری به فرش » (تربیت، ذی الحجه ۱۳۱۴: ش ۹۰ / ۲۴) اما نکته حایز اهمیت در این خصوص آن است که او هم چنان معتقد است ژاپنی ها به این باور رسیدند که راه رسیدن به مقصود توجه به دانش است و راه دانش از مدارس می گذرد « تا سی سال قبل مدارس عمومی ژاپن فقط سه کرور و دویست هزار نفر شاگرد داشت اما امروز عده شاگردان مدارس آن مملکت زیاده از ده کرور است » در ادامه به میزان هزینه ای که ژاپنی ها برای مدارس خود اختصاص داده اند اشاره می کند که اکنون چهل کرور مستقیماً از خزانه دولت به مصرف مدارس می رسانند و مبلغ ۲۷ کرور نیز به صورت وجوه متفرقه برای این کار

خرج می کنند این در حالی است که قبلاً سه کرویر بیشتر خرج نمی کردند. (تربیت، ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۲۲: ش ۱۵۳۳ / ۳۲۸) در جای دیگری برای توجیه توجه بیش از حد روزنامه به مدارس مثال دیگری از ژاپن می زند

گفته اند مملکتی که بیست و پنج هزار مدرسه و مکتب متوسطه و ابتدایی دارد و هزار و پانصد دارالفنون و آموزگارخانه های اعلی عجب نیست که به این مقام عالی رسیده باشد اگر غیر این باشد عجب است. پس هرچه از مکتب و مدرسه بگوئیم و بنویسیم کم است (تربیت، ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۲: ش ۱۴۷۸ / ۳۲۱)

وی در کنار مصداق هایی که در خصوص توجه مالی ملل غربی و ژاپن به مدارس دارند. در خصوص شیوه های آموزشی و تربیتی نیز نمونه هایی را ذکر می کند از آن جمله توصیف علم به زبان ساده است. برای باز کردن چشم و گوش بچه ها علوم مختلف را در کتاب هایی به زبان ساده و شیرین برای آن ها آماده کرده و به مرور ذوق مطالعه را در آن ها افزون می کنند. (تربیت، ۴ صفر ۱۳۱۹: ش ۹۱۰ / ۲۲۷). در جای دیگری به بحث مهارت افزایی کودکان توجه می دهد که اشکال مختلفی از اسباب و ابزار واقعی را به شکل اسباب بازی و در قالب های کوچک در اختیار کودکان قرار داده تا خلاقیت ذهنی آن ها را با مهارت ترکیب سازند (تربیت، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۱۳۹ / ۳۵). او در جای دیگری تنوع علوم آموزشی در مدارس غرب را نیز مورد تاکید قرار داده و از کارگزاران حکومتی می خواهد که برای ترقی جامعه، در مدارس داخلی بایستی علوم مختلف نظیر طبیعی، شیمی، معدن شناسی، طب و مهندسی نیز آموزش داده شود (تربیت، ۹ ذیقعد ۱۳۲۴: ش ۴۲۵ / ۲۳۰۹).

بررسی نوشته های فروغی در این زمینه حاکی از این نکته مهم بود که نشان دهد غربی ها با تکیه بر علم و دانش به این مرحله از تمدن نایل شده اند و راه وصول به دانش نیز توجه به امور آموزشی مدارس است و چنان چه قرار است تحولی در جامعه رخ دهد بایستی تجربه غربی ها و ژاپنی ها به عنوان یک کشور شرقی را فراروی خود داشته باشیم.

#### ۴. نگرشی آسیب شناختی به مسایل آموزشی و تربیتی دوره قاجار

همان گونه که اشاره شد بخشی از داده های روزنامه تربیت به این مهم اختصاص داشت که نشان دهد جامعه دچار جهل و عقب ماندگی فکری و علمی شده است. فروغی ضمن نگاه

آسیب شناختی به عوامل واپسمانی جامعه ایران عصر قاجار سهم قابل توجهی از این عقب ماندگی را ناشی از ناکارآمدی ساختار آموزشی سنتی دانسته و در عین حال بر این نکته نیز تاکید دارد که موانع و مشکلات جدی فراروی دانش جدید و کانون های آموزشی نوین به چشم می خورد. او در نوشته های متعدد خود می کوشد ضمن تاکید بر لزوم فراگیری دانش های جدید، ساختارهای موجود آموزشی و تربیتی را در معرض انتقاد جدی قرار می دهد. در ادامه برخی از این موانع و مشکلات مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

#### ۱.۴ مشکلات اماکن آموزشی

در نگرش فروغی فرآیند تعلیمی دوره او فاقد هرگونه آمادگی بود تا بتواند تحرک و تحولی اصولی در عرصه های آموزشی ایجاد نماید. با توجه به این که وی مبنای تربیت را در مدرسه جستجو می کند به سراغ نقاط ضعف موجود در فرآیند آموزش رفته است. او اعتقاد داشت «تا زمانی که در شیوه و طریقه تعلیم و تربیت راه خطا می رویم هر چه بکنیم بی حاصل است.» (تربیت، ۲۴ رجب ۱۳۱۹: ش ۹۷۵ / ۲۴۳) بر این اساس مستقیم به سراغ مکتب خانه ها به عنوان اصلی ترین مکان تعلیم در ایران می رود. از نگاه او مکان های آموزشی به لحاظ کیفی و عدم رسیدگی هیچ شباهتی با اماکن آموزشی ندارد و قطعاً نمی تواند جاذبه و کششی را برای شاگردان فراهم کند «اما مکاتب محلات خودمان دخمه هایی است که به اسم مکتب نامیده می شوند و شعور افلاطون بی اغراق در آنجا خفه و نابود می گردد.» (تربیت، ۷ صفر ۱۳۱۷: ش ۱۱۸ / ۳۰)

#### ۲.۴ منابع درسی بی محتوا

در کنار اشاره به فضای نامناسب مکتب خانه ها، فروغی منابع مورد استفاده معلمان مکتب خانه ها را نیز از دیگر عوامل ناکارآمدی ساختار آموزشی می داند «این کتاب ها که اطفال ما می خوانند مفید نیست بلکه مضر است معنی که مطلقاً ندارد الفاظ هم رکیک و مستهجن می باشند.» (تربیت، ۳۰ محرم ۱۳۱۵: ش ۱۱۳ / ۲۹) در جای دیگری به منابع آموزشی نیز ایراد گرفته و می نویسد

در سال های اول برای اطفال، کتاب گلستان و کلیات شیخ و تاریخ معجم و از این قبیل کتب را می دادند، نه معلم می فهمید و نه متعلم، و همین سبب می شد که در بزرگی

هم ابنای وطن دیگر رجوع به کتب مذکوره نمی کردند و از فواید آن محروم بودند. بی بصیرت‌ها می پرداختند به حسین کرد و رموز حمزه و چهل طوطی و امثال آن که آن هم بسی عیب‌ها داشت. (تربیت، ۵ صفر ۱۳۱۶: ش ۱۱۴/۴۵۳)

در جای دیگری مجدداً به منابع درسی اشاره می کند و می نویسد «... کتاب‌هایی را تحویل اطفال می دهیم که ارزش و اعتباری ندارند و نه تنها معلومات و تربیت آنها را افزون نمی کند بلکه الفاظ رکیک و مستهجن را نیز به آن‌ها می آموزد.» (تربیت، ۲۳ محرم ۱۳۱۵: ش ۱۱۳/۲۸)

#### ۳.۴ ناتوانی معلمان مکاتب

البته معلمان مکاتب نیز از انتقاد نویسنده به دور نبوده‌اند. او معتقد است اکثر افرادی که تعلیم اطفال را بر عهده دارند فاقد دانش لازم برای تعلیم شاگردان هستند. در حقیقت خود چیزی بلد نیستند که بخواهند به اطفال مردم یاد بدهند. (تربیت، ۳۰ محرم ۱۳۱۵: ش ۲۹/۱۱۵) علاوه بر مکان مکتب خانه‌ها، اخلاقیات و ادبیات محاوره‌ای که در طول مدت تحصیل نوآموزان فرا می گیرند نوع دیگری از فقدان تعلیم و تربیت را نشان می دهد. نویسنده گفتگوهای زشت و زننده‌ای را که بین شاگردان در مسیر مدرسه یا هنگام درس بین فراگیران رد و بدل می شود شرم آور دانسته و معتقد است یکی از نشانه‌های عمده جهل و نادانی اتکا بر همین گفته‌ها می باشد. او به عوامل اصلی رشد این اخلاق ناصواب نیز اشاره دارد. در نگرش فروغی گام اول در بروز این کج خلقی و بدگفتاری به خانواده باز می گردد جایی که پدر خانواده برای تنبیه فرزند خود از انواع فحش‌ها و ناسزاها بهره می گیرد به گونه‌ای که در اندک مدتی این گونه از گفتارها دیگر قبحی ندارند، علاوه بر این در مدرسه نیز برای آن که اطفال خاطی را تنبیه کنند مجدداً از همین هرزه‌گویی‌ها استفاده می نمایند و در نهایت او اعتقاد دارد در بلاد فرنگ مدت‌هاست این گونه ناسزاگویی در خصوص اطفال منسوخ شده است. (تربیت، ۲۸ صفر ۱۳۱۵: ش ۱۲۹/۳۳)

#### ۴.۴ موانع دینی

فروغی در کنار تبیین نواقص و معایب ساختار کهنه تعلیم و تربیت از موانع و مشکلات پیش رو برای دگرگون‌سازی این روند نیز آگاهی داشت. به همین دلیل در مقاطعی از

توصیفات خود به برخی از این موانع اشاره کرده و سعی دارد به گونه ای زمینه لازم برای کاستن از فشارها را فراهم سازد. فروغی می دانست بررسی و بیان معایب ساختارهای سنتی کهن الزاماً خشم و نارضایتی قشرهایی از اجتماع را در پی دارد علی الخصوص این که وی همراه با بیان مصایب و مشکلات، به شدت مروج مدارس و الگوهای جدید آموزشی نیز بود و همین مساله در هنگامه ای که جامعه در تضادهای بین چارچوب های کهن و الگوهای وارداتی غرب دچار دوگانگی شده بود می توانست شرایط سختی را برای روزنامه فراهم کند. در حقیقت تلاش فروغی همانند تعداد دیگری از چهره های همسو بر این معطوف بود که تغییراتی را در روند کیفی جامعه ایجاد کنند اما در گذر از نظم موجود به شرایط جدید تنش ها و تضادهایی پدید می آید. در حقیقت تلاش برای ایجاد تغییر، تضادهای بیشتر و متفاوتی را به جامعه تزریق می کند. (گی روشه، ۱۳۶۶: ۱۱۱-۱۱۳). این تضاد را به خوبی می توان در هنگام صدر اعظمی امین الدوله مشاهده کرد. وی از حامیان جدی میرزا حسن رشیدیه بنیانگذار مدارس نوین محسوب می شد. در مقطع صدارت وی را از تبریز به تهران خواند تا مدرسه ای به سبک مدرسه رشیدیه تبریز در تهران دایر کند. این اقدام او با مخالفت جدی علما، علی الخصوص میرزا حسن آشتیانی روبرو شد. (الگار، ۱۳۶۹: ۳۳۱) بی تردید فروغی از شرایط موجود اطلاع داشت و بر همین اساس در اکثر مواقع می کوشید از جاده محافظه کاری خارج نشود. برخی از نوشته های او نشان می دهد که وی بر این نکته واقف بود که در راه برقراری نظم نوین آموزشی احتمالاً ارکان دینی و موضعگیری آن ها ممکن است یکی از چالش های عمده در برابر او و تمام کسانی باشند که از الگوهای جدید حمایت می کنند. بر اساس همین شناخت بود که وی تمام تلاش خود را به کار می بندد تا نشان دهد بین علوم و روش های جدید با مبانی دینی تضادی وجود ندارد. (تربیت، ۶ شعبان ۱۳۱۸: ش ۸۵۳/۲۱۳) در همین زمینه جای دیگری می نویسد «... شهدالله اگر قوانین اخلاق منظور شود و راه غرض نرویم دین مبین اصلاً و مطلقاً با این توسعه مباینتی ندارد.» (تربیت، ۲۴ رجب ۱۳۱۹: ش ۹۷۵/۲۴۳) او در جاهای مختلف و با ذکر مصداق های متعدد سعی می کند این نکته مهم را به نتیجه برساند که نقص بی تحرکی را به پای علمای دینی ننویسند. کاری که در فرنگ نیز انجام می دادند و برخی عناصر سنتی که مخالف نظم جدید بودند مخالفت های خود را از زبان علما بیان می کردند. (تربیت، ۱۸ ذی القعدة ۱۳۲۴: ش ۴۲۶/۲۳۲۱) در هر صورت داده های تاریخی نشان می دهد که بخش عمده ای از نگرانی ها و مخالفت ها با ایجاد مدارس به نوعی در

قالب تعارض های دینی مطرح می شد. (ملکزاده، ۱۳۶۳: ۱۱۶/۱؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۵۸) از همین روی فروغی اخباری را منعکس می کند که در بسیاری از مدارس جدید به هنگام افتتاح، علمای دینی در این مراسم حضور داشته و به نوعی به مشروعیت دینی آن ها صحنه گذاشته اند. (تربیت، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۱۷: ش ۱۴۸/۵۹۱) در جای دیگری به حضور حاجی سید ابراهیم از علمای قزوین در افتتاح مدرسه امید اشاره می کند. او نه تنها کمک برخی خیرین را با خود به این مدرسه آورد بلکه شخصاً بیست تومان نیز از جیب خود اعانه به مدرسه دادند پس از توصیف مفصل ماجرا این گونه نتیجه گیری می کند «از اینجا معلوم می شود که علمای اعلام که حامیان اسلامند مویذ انتشار علوم و معارف هستند مانع و حرفی اگر بود در جای دیگری بود به عبارت اخیری با معقول کاری نداشته مجهول را منع نموده اند.» (تربیت، ۲۶ شعبان ۱۳۲۲: ش ۳۸۴/۱۹۸۶) گزاره های تاریخی دیگر از همین ایام نشان می دهد که دل نگرانی های فروغی بی وجه نبوده است زیرا اندیشمندان دیگر این عرصه نیز در آرایه راهکارهای خود همین دغدغه را داشته اند آن گونه که نویسنده کتاب یک کلمه فصلی از نوشتار خود را به این اختصاص می دهد تا نشان دهد که یکی از راه های ایجاد تحول در جامعه توجه به علوم و مکاتب است و البته اگر فرنگستان اکنون به جایی رسیده است از همین علم و معارف می باشد. اما او اگر مباحثی را در لزوم علم آموزی مطرح می کند تلاش فزاینده ای به کار برده تا با تکیه بر آیات و سایر مبانی دینی نشان دهد که بین آموزه های دینی و علوم دنیوی هیچ تضادی وجود ندارد. (مستشارالدوله تبریزی، ۱۳۸۲: ۶۹) البته به نظر می رسد که برخی از علما همانند سید محمد طباطبایی نه تنها مخالفتی با مدارس جدید نداشتند بلکه خود نیز در این راه پیشگام شده و مدرسه ای به نام اسلام تاسیس کرد که سبک و سیاق آن بر الگوهای جدید استوار بود. (ملکزاده، ۱۳۶۶: ۱/۱۲۰)

#### ۵.۴ مشکلات ناشی از نگرش های جنسیتی

قطعاً یکی از مهمترین مسائلی که جامعه سنتی به آن عکس العمل نشان می داد مساله آموزش دختران بود. شاید بتوان گفت روزنامه در این خصوص کمترین مطلب را انعکاس داده است. تنها به شکل پراکنده و آن هم به نقل از دیگران به ضرورت توجه به طبقه نسوان نیز اشاره می کند اما نمی تواند الگوهای واضحی در این زمینه ارائه کند. در یکی از نوشته های خود برای توجیه لزوم آموزش زنان به درستی از زبان دانشمندان مجرب و کاردانان

مهدب اشاره می کند که تربیت اطفال بیشتر در خانه و تحت نظر مادران است. بنابر این آن ها باید در کار بار آوردن فرزندان همت کنند و پوشیده نیست که دختران مانند پسران آموزگار می خواهند و ما مسلمانان باید معلمی برای ایشان اختیار نماییم که از جنس خود آن ها باشد تا علاوه بر پیروی از شرع شریف و قانون حنیف جاذبه جنسیت اثر و نفوذ خود را ظاهر و هویدا سازد. (تربیت، ۱۹ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۳۶/۱۴۳) با وجود این نگرش در شماره های پایانی روزنامه مطلبی را منعکس می کند که به خوبی نگرانی را در این زمینه انعکاس داده و نشان می دهد موانع جدی که در این خصوص وجود داشته او را از انعکاس اخبار مربوط به زنان مانع آمده است. وی اشاره می کند که مکرر از طرف خیرخواهان مملکت و ملت به او نوشته اند تا در خصوص تربیت دختران نیز چیزی گفته شود» اما هر وقت به این صرافت و خیال می افتادیم موانع و مشکلات برای قطع این مرحله به نظر می آمد و سنگ ها پیش پای ما می گذاشت.» (تربیت، ۲۲ محرم ۱۳۲۵: ش ۴۳۳/۲۳۷۷) ادامه مطلب نشان می دهد که گر چه نویسنده در این زمینه صاحب دغدغه است اما از باب نگرانی نمی توانست کار جدی را انجام دهد. (همان جا)

## ۵. اهمیت مدرسه در نظام توصیفی روزنامه

همان گونه که پیش از این اشاره شد روزنامه رویکردی اصلاحی نسبت به جامعه داشت. در نگرش فروغی تربیت شاهره اصلی اصلاح جامعه محسوب می شود. اما به زعم او زیر ساخت اصلی تربیت به نظام آموزشی و یا به بیان دیگر به مدرسه باز می گشت. به همین دلیل کوشندگی روزنامه در این خصوص سمت و سوی آن داشت تا هم اهمیت و ارزش مدرسه را به جامعه بنمایاند و هم الگوهای متعدد خود را برای تغییر در رویکردهای علمی و آموزشی به جامعه نشان دهد. برای رسیدن به این مقصود او هم روش ترویجی و تبلیغی را در دستور کار روزنامه قرار می دهد و هم در پی آن است تا روش ها و راه های رسیدن به مقصود مطلوب را نیز به اشکال مختلف در معرض دید و نظر خوانندگان قرار دهد. تکاپوی اصلی او در مطالبی که در خصوص مدرسه نوشته است بر این اصل استوار می باشد که مشخص کند مدرسه در نظام اجتماعی و علمی حایز چه جایگاه و موقعیتی است. بر این اساس در فحوای نوشته ها و مقالات علمی به هر بهانه ای راهی می یابد تا به خواننده خود بقبولاند که راه تربیت و اصلاح مدرسه است «... باز هم از مدرسه بگوئیم تا

حرف مدرسه هست هیچ حرفی جایز نیست.» (تربیت، ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۱۷: ش ۱۵۳ / ۶۱۱) در جای دیگر به تکرارهای خود در این زمینه تاکید می کند

... بارها گفته ام و بار دیگر می گویم نقص کار ما فقط اهمال است که در کار علم می کنیم اگر چه انجام کارهای خطیر جریزه و هوش کامل و استعداد و عقل روشن می خواهد اما باز ریشه مطالب در مدرسه و درس است. (تربیت، ۲ شعبان ۱۳۱۹: ش ۹۷۹ / ۲۴۴)

پافشاری نویسنده در خصوص مدرسه و لزوم توجه جامعه به این موضوع ظاهراً باعث می شود تا عده ای بر فروغی خرده بگیرند «هر وقت رفقای ما اخبار مدرسه در روزنامه را می بینند می گویند خوب است چیزی بنویسید که به کار همه بیاید» (همان جا) به واسطه این اعتراض ها او بخشی از مطالب روزنامه را به اخبار خارجه اختصاص داد. اما چون دغدغه اصلی فروغی به تربیت و مدرسه باز می گشت هم چنان تمرکز اصلی را به اخبار و مسایل مربوط به آن اختصاص داد چون در شماره های بعدی هم چنان موضوع مدرسه را به عنوان الگویی پایدار برای بهبود شرایط جامعه و رهایی از گمراهی و تاریکی می داند

... ما در اول خط بنویسیم مدرسه، آخر مدرسه وسط مدرسه، در این ورق مدرسه در آن صفحه مدرسه و ... شما به نظر دقت و چشم بصیرت یک دو نگاه به عالم تنگ و تاریک ما بنمایید و ببینید برای تمام این تیره روزی ها، خراب کاری ها، بی اعتدالی ها، بی حسابی ها و ... علتی غیر از جهل و نادانی نمی بینید ... پس جمله علت های ما مدرسه است. (تربیت، ۱۴ رجب ۱۳۲۳: ش ۳۷۸ / ۱۹۳۵)

در نگاه نویسنده عامل اصلی عدم توجه جامعه به امور مهم، از جهل و نادانی ناشی می شود. به همین دلیل او در کنار توصیف اهمیت و جایگاه مدارس می کوشد تحول و تحرکی در اذهان ایرانیان ایجاد کند تا به زعم او از حالت یاس و خمودگی و خود باختگی خارج شوند. تاکید بر داشته های مادی و معنوی ایرانیان در دوره باستان یکی از عناصری محسوب می شد که اکثر چهره های روشن اندیش دوره قاجار برای ایجاد پویایی و تحرک در بنیادن های اجتماع بر آن تاکید می کردند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۲۲) علاوه بر این تمجید از توانمندی های ذاتی ایرانیان در مقابل اروپاییان نیز به عنوان یک نقطه معیار مورد توجه برخی از عناصر منورالفکر دوره قاجار قرار می گرفت. (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۵۸) فروغی نیز

از این چارچوب به دور نبود. یکی از پایه های مورد تاکید او برای دمیدن روحیه باورمندی گذر به گذشته ایران بود

بارها می خواستم خاطر مبارک را متذکر سازم و معروض دارم که تمدن و تربیت مردم مغرب زمین اگر چه امروز به سر حد کمال است و احدی منکر آن نیست ولی تمدن ایران هم در ازمنه سالفه کمتر از آن نبوده جنس ایرانی در ذات و اصل خود گوهری و فطرتی داشته که هر چند فعلاً در حکم عنقای مغرب و اکسیر اعظم است اما اگر بر حسب اتفاق آن سرشت پاک وقتی خیال بروز نماید ... عالم را منور سازد. (تربیت، ۲۹ جمادی الاخر ۱۳۱۵: ش ۱۹۸/۵۰)

## ۶. فرآیند آموزشی

یکی از جدی ترین مواردی که در خصوص مسایل آموزشی مورد توجه روزنامه قرار گرفته است مباحث کیفی مدارس و موضوعات مرتبط با آن است. نویسنده روزنامه در بیشتر مواقع در هنگام تبلیغ از مدارس از آن ها تحت عنوان مدارس جدید یاد می کند. به همین دلیل تلاش دارد که ضمن نشان دادن روند متفاوت این مدارس از مکتب خانه های قدیمی، الگوهای پیشنهادی خود را در جهت بهسازی روش و روند فعالیت آن ها ارایه نماید. هر چند به وضوح نمی توان نظم اساسی در نوشته های او یافت تا بتوان از طریق آن به روشنی سبک و سیاق پیشنهادی وی پی برد. اما با دنبال کردن داده های ذهنی نویسنده در خلال مقالات و نوشته های متعدد روزنامه می توان مواردی را در این خصوص استخراج کرده و با دسته بندی آن ها تا حدودی چارچوب های ذهنی وی را در این زمینه دریافت. یکی از مواردی که بعضاً و به شکل پراکنده در این خصوص مورد توجه روزنامه بوده است سطح بندی مدارس و گذر از ساختار های قدیمی و ورود به چارچوب های جدید برای منفک شدن مراحل اولیه و عالی تحصیلات علمی است. نوشته های او تا حدودی گویای این واقعیت است که در خصوص مرحله بندی تحصیلات به شدت ابهامات جدی وجود دارد اما با این حال وی در طبقه بندی خود قائل به مرحله ابتدایی و عالی است. در خصوص مدارس نظم صحیح آن است که در مملکت مکاتب ابتدایی و مدارس مقدماتی باشد و شاگردان نخست در آن مدارس و مکاتب مشغول تحصیل شوند تا آن جا و آن وقت که قابل ورود به مدارس اعلی گردند و در آن جا به تکمیل علوم و فنون بپردازند. (تربیت، ۳ رجب ۱۳۱۹: ش ۹۶۷/۲۴۱)

نکته حائز توجه در این خصوص اعتقاد نویسنده به وجود مدارس ابتدایی و تخصصی است که علاوه بر دروس نظری به فراگیری رشته های عملی نیز پردازند. از آن جمله اشاره می کند که از صدر اسلام مدارس دینی در ممالک ایران برقرار بوده است و مدارس دولتی در امور ملکی و سیاسی از سلطنت ناصرالدین شاه ایجاد شد اما در دوره جدید لازم شد که مدارس ادبی و حکمتی و البته صنعتی نیز دایر شود. (تربیت، ۱۰ شوال ۱۳۱۸: ش ۲۲۲/۸۸۹) ذهنیت او در این خصوص با گردانندگان روزنامه اختر هم خوانی دارد زیرا آن ها نیز با نگرشی انتقادی به مدارس زمان خود می نگرند

... بجز مدرسه های ملتی که برای تحصیل مقدمات است و قدری هم علم فقه و اصول، هیچ علمی در ایران به طور مرتب و مقنن رواج ندارد. آری چند مکتب دولتی در تهران و تبریز برای تحصیل زبان های خارجه هست ولی آن ها نیز به درجه مطلوبه نیستند. (آجودانی، ۲۶۰)

در جای دیگر ضرورت وجود مدارس علمی را یادآور شده و به بنیان گذاری مدرسه فلاحتی و زراعتی تاکید کرده و آن مقدم بر هر کاری می داند. به دلیل آن که در ایران زمین های لم یزرع بسیاری وجود دارد. دلیل این پیشنهاد خود را در تجاربی می داند که از مطالعه روزنامه های فرنگ به دست آورده «در ظرف مدت یک سال معادل هشتصد کرور تومان گندم از آمریکا به اروپا آمد ... پس معلوم شد اگر زراعت خود را قوت بخشیم تجارت را قوت داده ایم.» (تربیت، ۶ ذی الحجه ۱۳۱۵: ش ۹۰/۳۶۰)

در خصوص معرفی مواد درسی مدارس در نوشته های روزنامه انسجام جدی به چشم نمی خورد در حقیقت نویسنده توصیه های مختلفی را برای آموزش در مدارس ابتدایی و عالی ارائه می دهد. او برای مقطع ابتدایی یعنی شاگردانی که به عنوان نوآموز وارد مدرسه می شوند توصیه می کند برای جلب آن ها به سوی فراگیری علم و دانش و ممانعت از ایجاد بد بینی نسبت به مدرسه اشاره می کند با بیان حکایت های اخلاقی و قصه های تاریخی و مثل های معقول که خارج از حدود ادب نباشد در وهله اول آن ها را به سوی مدرسه جذب نمایند و در مرحله دوم از این طریق آن را با حروف الفبا آشنا کند. از جمله دروس پیشنهادی وی برای مقطع ابتدایی تاریخ، جغرافیا و حساب است. مساله آموزش تاریخ به تکرار مورد توجه فروغی بوده است زیرا تاریخ خبرت و بصیرت را می افزاید و فراگیری تاریخ نیز بدون یادگیری جغرافیا امکان پذیر نیست. (تربیت، ۱۶ رجب ۱۳۲۴: ش

۲۱۹۷/۴۱۱) از جمله دیگر دروس پیشنهادی او در همین مقطع اخلاق و علوم دینی و شرعی است. (تربیت، ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۱۵: ش ۴۸/۱۹۰)

البته در مقالات دیگر فروغی هم چنان بر علوم دینی و تاریخ و جغرافیا پافشاری می کند اما دروس دیگری نظیر شیمی، هندسه و طبیعی را به درس های پیشنهادی خود اضافه می کند. (تربیت، ۳ محرم ۱۳۲۱: ش ۲۷۴/۱۱۰۳) وی در معرفی دروس مقطع عالی علاوه بر عناوین پیش گفته مواد دیگری مثل جبر و مقابله، نجوم، فلسفه، طب و علوم و فنون سیاسی را نیز مورد توجه قرار می دهد. (همان جا) تاکید او در خصوص فراگیری علوم عالی بیشتر معطوف به مدرسه علوم سیاسی است که فقه و حقوق بین الملل و علم روابط و تاریخ قدیم و جدید تمام اقالیم در آن بایستی تدریس شود. (تربیت، ۱ ذی القعدة ۱۳۲۳: ش ۳۹۲/۲۰۴۵)

یکی از دروسی که به صورت ثابت مورد تاکید فروغی قرار می گرفت و اعتقاد او بر این بود که بایستی در تمامی دوره ها آموزش آن جدی گرفته شود زبان فارسی بود. وی با نگارش مقالات متعدد این نگرش را انتقال می داد که بایستی از همان ابتدای ورود شاگردان به مدرسه زبان فارسی را با آموزش الفبا به بهترین وجه آغاز نمود. در جایی راجع به دروس ابتدایی می نویسد «... کار نوشتن و خواندن زبان وطنی و مملکتی را بایستی به جایی رساند که پس از اشتغال به مشاغل و اعمال در نوشتن مکاتبات و مراسلات چندان دست بسته نباشد.» (تربیت، ۱۶ رجب ۱۳۲۳: ش ۲۱۹۷/۴۱۱) در جای دیگری با جدیت بیشتری بر این موضوع تاکید می کند «اول تکلیف مکاتب و مدارس این است که درس زبان فارسی درست و حسابی دایر کنند و عموماً این تعلیم و تعلم را معمول دارند و شک نیست اسباب این کار را کم داریم.» (تربیت، ۱۱ صفر ۱۳۱۹: ش ۲۲۸/۹۱۶) در مقاله دیگری ارکان اصلی آموزش در مدارس را با عناوین زیر مطرح می کند

در مدارس بایستی دانش فارسی را با سه علم دیگر انباز کنند. به عبارت دیگر ترتیب کار را چنان قرار دهند که در دوره خواندن فارسی علم اخلاق و علم تاریخ و جغرافیا خوانده شود. اخلاق برای آن است که هر کس از آن عاریست انسان نیست ... اما تاریخ برای آن که فریب هر ابلهی را نخوریم ... و اما جغرافی برای آن است که تاریخ بی جغرافی فهمیده نمی شود. (تربیت، ۲۴ رجب ۱۳۱۹: ش ۲۴۳/۹۷۶)

همراه با زبان فارسی که به عنوان یک اصل پایدار در کانون توجه روزنامه قرار دارد، فروغی آموزش زبان خارجه را نیز در زمره ملزومات آموزش می داند. او زبان را نقطه

ارتباط علمی با جهان غرب می‌داند. بر این اساس برای درک دنیای متمدن آموزش زبان را به عنوان یک درس ثابت در مدارس پیشنهاد کرده و در مقالات متعدد فواید و مزایای آن را بر می‌شمارد. (تربیت، ۱۱ صفر ۱۳۱۹: ش ۹۱۶/۲۲۸) به لحاظ علاقه شخصی به زبان فرانسه و نگرش مثبتی که در این مقطع نسبت به فرهنگ فرانسه وجود داشت او بیشتر فراگیری این زبان را در مدارس پیشنهاد می‌داد

... و کمتر کسی است که نداند زبان فرانسه یکی از السنه علمیه دنیا می‌باشد و به مزایای چند نیز مخصوص است و چون ما باید اقلاً یکی از زبان‌های دانش را بدانیم تا در کار خود نمایم بزرگان کاردان ما فرانسه را اختیار نمودند. (تربیت، ۷ رمضان ۱۳۱۹: ش ۹۸۶/۲۴۶)

هم خوانی این پیشنهاد او را با نظر نویسنده کتاب یک کلمه می‌توان در تجویز دینی او جستجو کرد «به جهت قدرشناسی نعمات خداوندی است که در فرنگستان اکثر اهالی از ذکور و اناث اقلاً سه چهار زبان مختلف یاد می‌گیرند. در مشرق زمین اگر کسی زبان خارجه تکلم کند هزار ایراد به او وارد می‌آورند.» (مستشارالدوله، ۱۳۸۲: ۷۹)

یکی از اصول مورد توجه روزنامه همراه با توصیف مواد درسی مساله کارگزاران مدرسه و میزان کاردانی و تسلط علمی آن‌ها بر امور علمی و آموزشی بود. مبتنی بر همین رویکرد تاکید می‌کند

... مدرسه شرایط هم دارد و نخست شرط هم آن که مباشرین عمل اهل خبره و مدرسه دیده باشند و با وقوف و از درد کار آگاه و از اصول و قوانین تعلیم و تعلم و رسوم تربیت واقف به اخلاق کریمه و نفوس زکیه ... باشند. (تربیت، ۱۵ ذی القعدة ۱۳۲۳: ش ۲۰۵۴/۳۹۳)

در بین کارکنان مدرسه توجه ویژه روزنامه بر توانمندی‌های علمی معلمان است. در جایی برای نشان دادن اهمیت و جایگاه معلمان در عرصه آموزش، توانمندی‌های معلم را از کتاب مهمتر می‌داند. در نگاه او معلم علاوه بر توانمندی‌های علمی بایستی دارای حلم و حوصله و عفت و طهارت باشد. (تربیت، ۸ شعبان ۱۳۲۱: ش ۱۲۷۸/۲۹۶) نکته حائز توجه این که نویسنده ضمن توضیح در خصوص استفاده از معلمان کاردان و لایق در مدارس در نهایت مساله معیشت آن‌ها را نیز به عنوان یک نکته کلیدی مورد توجه قرار می‌دهد

اما درست شدن مدارس مقدماتی به دو چیز است اول به تحمل و قبول خرج به قاعده که معلم به حق خود برسد و خویش را مسول ببیند، چه اگر معلمی را که باید بیست تومان داد ده تومان بدهند این مبلغ را هم ضایع کرده اند... و البته معلم ماهر و کاردان اجر و اجرت به قاعده می خواهد و آن که به چیزی مختصر راضی شود باید به کار مختصر او راضی شوند و این خلاف مصلحت مدرسه است. (تربیت، ۶ رمضان ۱۳۲۴: ش ۴۱۸/۲۲۵۳)

## ۷. نتیجه گیری

ایران دوره قاجار به واسطه ارتباطی که با دنیای غرب پیدا نمود به صورت ناخواسته با بسیاری از عناصر تمدنی جدید مواجه گردید. برخی از این عناصر ابزار موثری بودند تا جامعه ایران را با شرایطی مواجه سازند که شرایط ناامید کننده خود را دریا بد و با کوشندگی راه های مختلفی را برای گذر از این شرایط تجربه نماید. در بین عناصر وارداتی می توان به شکل گیری جراید و نقش موثر آن ها در پویایی جامعه اشاره نمود. از دوره ناصرالدین شاه قاجار به بعد به دلیل افزون شدن حجم پیوندها در گذر زمان روزنامه ها از کثرت بیشتری برخوردار شدند. با نزدیک شدن به زمان مشروطیت به دلیل فضای نسبتاً آزادتری که در جامعه پدیدار شد مطبوعات فارسی زبان داخلی و خارجی با تنوع موضوعی بیشتری انتشار یافتند. در میان این جراید روزنامه تربیت با ماهیتی غیر سیاسی حایز جایگاه خاصی بود. نویسنده و گرداننده اصلی روزنامه یعنی محمد حسین فروغی به لحاظ تجارب قابل توجه فرهنگی در این روزنامه به تکاپوی جدی برآمد تا از طریق نوشتن مقالات متعدد و ترجمه آثار جدید اروپایی نقش موثری در تحولات جامعه ایجاد کند. همان گونه که بررسی شد بخش عمده ای از نوشته های فروغی معطوف به توضیح و تشریح این نکته بود که عمده عامل عقب ماندگی جامعه ناشی از جهل نسبت به موضوعات مختلف است. بر این اساس او کوشید تا با استفاده از مثال ها و مصداق های متعدد اروپایی نشان دهد که غرب نیز مدت ها به لحاظ گرفتاری در همین جهالت راه قهقرا پیمود و از زمانی که غربی ها با علم و دانش آشتی کردند درهای سعادت بر روی آن ها گشوده شد. او برای آن که جامعه را از یاس و ناامیدی باز دارد به صورت مکرر بر پیشینه تاریخی ایران و فطرت پویانده ساکنان این سرزمین تاکید می کند و در عین حال برای آن که نشان دهد پیشرفت مختص غرب نیست موقعیت و عملکرد ژاپنی ها را به عنوان یک الگوی شرقی بارها مورد توجه

قرار می‌دهد. همان‌گونه که بررسی شد فروغی پس از آن که می‌کوشد تا نشان دهد راه تعالی جامعه از دریچه دانش می‌گذرد، به صورت پیوسته به خوانندگان خود گوشزد می‌کند که راه وصول به دانش از مسیر مدرسه می‌گذرد. از باب همین اعتقاد است که بخش قابل توجهی از مباحث و مطالب توصیف و ترویجی خود را به موضوع مدرسه اختصاص داد. او در جایگاه‌های مختلف تلاش دارد ناکارآمدی ساختار آموزشی سنتی و معایب کمی و کیفی آن را به وضوح شرح دهد و در نهایت به جامعه بقبولاند که برای رسیدن به شرایط متعالی با این روش مدرسه داری عملاً راه به جایی نخواهند برد. سپس او تمام توان تبلیغی و توجیهی خود را به کار می‌گیرد تا ضمن تشویق دولتیان و اشراف و توانگران به ساخت و حمایت از مدارس جدید راهکارهای خود را نیز در خصوص ویژگی‌ها و چارچوب‌های لازم برای پا گرفتن کانون‌های آموزشی نوین نشان دهد. البته روحیه محافظه‌کار فروغی به گونه‌ای است که در روند توصیه‌هایی که دارد. تلاش می‌کند تا نشان دهد هیچ‌گونه تضادی بین علم آموزی، ساخت مدرسه و آموزه‌های اسلام وجود ندارد. در همین راستا مکرر از علمایی یاد می‌کند که از مدارس جدید بازدید کرده و فضاهای آموزشی و منابع درسی مورد تایید آن‌ها قرار گرفته است. در هر صورت می‌توان گفت در فضای محدود و بسته دوره قاجار کوشندگی علمی و آموزشی تربیت نقش قابل توجهی در هوشیاری و افزون‌سازی آگاهی‌های علمی و اجتماعی جامعه داشته است.

## کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۲) ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران: تهران، نشر مرکز.  
آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۲) مشروطه‌ی ایرانی، تهران: اختران.  
آدمیت، فریدون (۱۳۴۹) اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.  
الگار، حامد (۱۳۶۹) دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.  
بامداد، مهدی (۱۳۶۳) شرح حال رجال ایران، ج ۳، تهران، زوار.  
براون، ادوارد (۱۳۸۶) تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، تهران، علم.  
رحمانیان، داریوش (۱۳۸۲) تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین، تبریز: موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی.  
روشه، گی (۱۳۷۷) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.  
صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران، کمال.

قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۶) «رویکرد روزنامه اختر به توسعه علمی و پیشرفت و عقب ماندگی» مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، ش ۲۰، بهار و تابستان.

کیانفر، جمشید (۱۳۷۷) روزنامه تربیت ۱۳۱۴-۱۳۲۵ ه. ق، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. مستشارالدوله تبریزی، میرزا یوسف (۱۳۸۲) یک کلمه و یک نامه، به کوشش سید محمد صادق فیض، تهران: صباح.

ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۵) «مجله ایرانشهر و لزوم انقلاب در افکار و عقاید ایرانیان»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س شانزدهم، ش ۵۹، تابستان.

ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳) انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، تهران: علمی. میرانصاری، علی (۱۳۸۷) روزنامه تربیت، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

میلانی، عباس (۱۳۸۲) تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران: اختران.

ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۶۲) تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: آگاه.

تربیت، ۱۰ شعبان ۱۳۱۴: ش ۵.

تربیت، ۲۶ ذی القعدة ۱۳۱۴: ش ۲۰.

تربیت، ۳ ذی الحجه ۱۳۱۴: ش ۲۱.

تربیت، ذی الحجه ۱۳۱۴: ش ۲۴.

تربیت، ۲۳ محرم ۱۳۱۵: ش ۲۸.

تربیت، ۳۰ محرم ۱۳۱۵: ش ۲۹.

تربیت، ۲۸ صفر ۱۳۱۵: ش ۳۳.

تربیت، ۵ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۳۴.

تربیت، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۳۵.

تربیت، ۱۹ ربیع الاول ۱۳۱۵: ش ۳۶.

تربیت، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۱۵: ش ۳۹.

تربیت، ۸ جمادی الاخری ۱۳۱۵: ش ۴۷.

تربیت، ۱۵ جمادی الاخر ۱۳۱۵: ش ۴۸.

تربیت، ۲۹ جمادی الاخر ۱۳۱۵: ش ۵۰.

تربیت، ۲۵ رمضان ۱۳۱۵: ش ۶۲.

تربیت، ۶ ذی الحجه ۱۳۱۵: ش ۹۰.

تربیت، ۵ صفر ۱۳۱۶: ش ۱۱۴.

تربیت، ۷ صفر ۱۳۱۷: ش ۳۰.

- تربیت، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۱۷: ش ۱۴۸.  
تربیت، ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۱۷: ش ۱۵۳.  
تربیت، ۲۸ شوال ۱۳۱۷: ش ۱۷۷.  
تربیت، ۶ شعبان ۱۳۱۸: ش ۲۱۳.  
تربیت، ۲۰ شعبان ۱۳۱۸: ش ۲۱۵.  
تربیت، ۱۱ رمضان ۱۳۱۸: ش ۲۱۸.  
تربیت، ۱۰ شوال ۱۳۱۸: ش ۲۲۲.  
تربیت، ۲۱ ذالحجه ۱۳۱۸: ش ۲۲۴.  
تربیت، ۲۸ ذی الحجه ۱۳۱۸: ش ۲۲۵.  
تربیت، ۱۵ ذی القعدة ۱۳۱۹: ش ۷۲.  
تربیت، ۴ صفر ۱۳۱۹: ش ۲۲۷.  
تربیت، ۱۱ صفر ۱۳۱۹: ش ۲۲۸.  
تربیت، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۱۹: ش ۲۳۴.  
تربیت، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۱۹: ش ۲۳۹.  
تربیت، ۳ رجب ۱۳۱۹: ش ۲۴۱.  
تربیت، ۲۴ رجب ۱۳۱۹: ش ۲۴۳.  
تربیت، ۲ شعبان ۱۳۱۹: ش ۲۴۴.  
تربیت، ۷ رمضان ۱۳۱۹: ش ۲۴۶.  
تربیت، ۲۴ محرم ۱۳۲۱: ش ۲۷۶.  
تربیت، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۱: ش ۲۸۱.  
تربیت، ۸ شعبان ۱۳۲۱: ش ۲۹۶.  
تربیت، ۱ ذی الحجه ۱۳۲۱: ش ۳۰۵.  
تربیت، ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۲: ش ۳۲۱.  
تربیت، ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۲۲: ش ۳۲۸.  
تربیت، ۲۶ شعبان ۱۳۲۲: ش ۳۸۴.  
تربیت، ۱۴ رجب ۱۳۲۳: ش ۳۷۸.  
تربیت، ۱ ذی القعدة ۱۳۲۳: ش ۳۹۲.  
تربیت، ۱۵ ذی القعدة ۱۳۲۳: ش ۳۹۳.  
تربیت، ۱۶ رجب ۱۳۲۳: ش ۴۱۱.  
تربیت، ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۲۴: ش ۴۰۲.

۷۸ جستارهای تاریخی، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

تربیت، ۶ رمضان ۱۳۲۴: ش ۴۱۸.

تربیت، ۱۱ ذی القعدة ۱۳۲۴: ش ۴۲۵.

تربیت، ۱۸ ذی القعدة ۱۳۲۴: ش ۴۲۶.

تربیت، ۲۲ محرم ۱۳۲۵: ش ۴۳۳.